

فارنهایت ۹/۱۱

رسوایی بزرگ کاخ سفید

■ رضا عمرانی

مقامات آمریکایی نه تنها هرگز به آن‌ها راست نگفته‌اند بلکه از نظر آن‌ها مردم ایالات متحده فقط در آن حد ارزش دارند که بتوانند به عنوان ابزار برای تامین منافع نظام سرمایه داری و سیاستمداران دست نشانده نظام سرمایه مورد استفاده قرار بگیرند.

فارنهایت ۹/۱۱ اگر بخواهیم آن را در ژانر فیلم‌های مستند قرار دهیم بی تردید یکی از تکان دهنده‌ترین فیلم‌های مستند در تاریخ سینماست و اگر بر مبنای

موضوع و درونمایه آن بخواهیم عنوان فیلم سیاسی را برایش انتخاب کنیم، در ردیف یکی از رسواکننده‌ترین فیلم‌های سیاسی قرار می‌گیرد اهمیت کارمایکل مور در فارنهایت ۹/۱۱ به این دلیل است که او در این فیلم جز نگاه به واقعیت و تصویر کردن آن کاری انجام نداده و نخواسته است که با در هم آمیختن بخشی از یک واقعیت و تخیلات خود یک اثر دراماتیک تماشاگر پسند بسازد. و تنها چیزی که در فارنهایت ۹/۱۱ برای او اهمیت داشته است بیان واقعیت به مستقیم‌ترین شکل ممکن بوده است.

این فیلم در عین حال بیانگر سادگی توده‌های مردمی است که گوش به فرمان بلندگوهای تبلیغاتی مراکز قدرت معمولاً در حالتی بین خواب و بیداری همان کاری را انجام می‌دهند که از آن‌ها خواسته می‌شود اما هنگامی که باتلنگری از خواب می‌پرند تازه در می‌یابند که چه کلاه‌های گشادی برای سرشان دوخته شده و تا چه حد مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند.

مایکل مور در این فیلم با شماری از خانواده‌هایی که فرزندان‌شان برای جنگ به عراق اعزام شده بودند گفتگو کرد و تقریباً به این نتیجه رسید که بسیاری از آن‌ها تحت تاثیر بلندگوهای تبلیغاتی «سیا» و پنتاگون باور کرده‌اند که لشگر کشی آمریکا به افغانستان و عراق برای مبارزه با تروریسم است اما هنگامی که یکی از آن‌ها پسر خود را در عراق از دست داد گویی که تازه از خواب بیدار شده باشد به این نتیجه رسید که فرزندش نه به خاطر مبارزه با تروریسم بلکه در جنگی که عاملان اصلی آن قدرت‌های نفتی بودند و برای حفظ منافع آن‌ها کشته شده و بدتر از آن زمان بود که این زن و هزاران نفر دیگر مانند او دریافتند که هیچ یک از مقامات آمریکایی، سناتورها، سرمایه داران و... اجازه نداده‌اند که فرزندان‌شان به جبهه خاورمیانه بروند.



قلمداد کردند اما...

فیلم مستند فارنهایت ۹/۱۱ به طرز شگفت‌آوری همه سدهای دفاعی نومحافظه کاران آمریکایی را در هم شکسته و با ارائه مدارک و تصاویر مستند و افشاگری مستدل در مورد زوایای پنهان مانده انفجار ساختمان‌های سازمان تجارت جهانی تقریباً ۹۰ درصد تماشاگران را

**به تعبیری می‌توان این فیلم را
پر سروصداترین فیلم افشاگرانه
قلمداد کرد که نومحافظه کاران
آمریکایی و بیش از همه
جرج بوش رئیس جمهور آمریکا
را هدف گرفته و آن‌ها را رسوا
کرده است**

متقاعد ساخته است که حادثه یازده سپتامبر توطئه‌ای بود که در سازمان سیا طراحی شد و به وسیله عوامل خود آن‌ها نیز به اجرا درآمد اما مسئله مهم‌تر در این فیلم، نشان دادن واکنش مقامات ارشد آمریکا در مواجهه با این حادثه است، واکنشی که حتی اگر نپذیریم به دلیل آگاهی قبلی آن‌ها از وقوع فاجعه انفجار مرکز تجارت جهانی بوده لاجرم باید قبول کنیم که نشانه بی‌اعتنایی آن‌ها نسبت به رنج عظیم مردمی بوده است که در این فاجعه عزیزانشان را از دست دادند و یا ناگهان احساس کردند که برخلاف ادعاهای مقامات آمریکایی اصلاً نمی‌توانند وجود امنیت را در زندگی فردی و اجتماعی خود باور کنند.

اما قسمت مهم و در واقع جان کلام این فیلم در آن بخش‌هایی است که مایکل مور سعی کرده است ضمن تحقیق و گفتگو با مقامات آمریکایی و مردم عادی، این واقعیت را به نمایش بگذارد که

در تاریخ سینمای سیاسی جهان، شمار فیلم‌های رسواکننده و آثاری که به نوعی سعی در افشای زویندهای سیاسی پشت پرده و توطئه‌های سیاسی داشته‌اند کم نیستند اما ظاهراً سروصدایی که مایکل مور یا فیلم فارنهایت ۹/۱۱ به وجود آورده بیش از هر جنجالی است که احتمالاً تاکنون در مورد یک فیلم سیاسی ایجاد شده است. به تعبیری می‌توان این فیلم را پر سروصداترین فیلم افشاگرانه

قلمداد کرد که نومحافظه کاران آمریکایی و بیش از همه جرج بوش رئیس جمهور آمریکا را هدف گرفته و آن‌ها را رسوا کرده است.

ماجرای این فیلم که به زعم مخالفت‌های کاخ سفید، پنتاگون و «سیا» و حامیان جرج بوش برای جلوگیری از نمایش آن تقریباً به طور هم‌زمان در بسیاری از کشورهای جهان به نمایش ظاهراً بسیار ساده است، انفجار برج‌های دو قلوی ساختمان تجارت جهانی و تلاش یک فیلم‌ساز به نام «مایکل مور» برای اثبات این که «سیا» و کاخ سفید به خوبی می‌دانستند که چه اتفاقی قرار است بیفتد و در واقع طراح اصلی توطئه خود آن‌ها بودند تا بتوانند با بهانه قرار دادن خطر تروریسم و ترساندن جامعه آمریکا، نقشه‌های خود را برای اردو زدن در خاورمیانه عملی کنند.

البته ساخته شدن چنین فیلم افشاگرانه‌ای در کشوری مثل آمریکا که با اصطلاح مهد آزادی!! و دموکراسی است!! چندان مشکل نیست اما مشکل کار مایکل مور برای ساختن و بالاتر از آن نمایش فیلم در زمانی است که جرج بوش متهم اصلی پرونده فارنهایت ۹/۱۱ هنوز رئیس جمهور آمریکاست و نومحافظه کاران آمریکایی در راس قدرت قرار دارند.

حساسیت این فیلم زمانی بیشتر آشکار می‌شود که مایکل مور تلاش می‌کند تا فیلمش را درست در بجه‌جبه مبارزات انتخاباتی بوش به معرض نمایش بگذارد و سرانجام هم موفق به این کار می‌شود.

البته برنامه ریزان تبلیغاتی و مشاوران اجتماعی پرزیدنت نیز برای مقابله با اثرات این فیلم هر کاری را که لازم می‌دانستند انجام دادند و از جمله برنامه‌هایی که برای خنثی کردن اثر این فیلم بر افکار عمومی جامعه آمریکا و طرفداران بوش انجام دادند، این بود که فارنهایت ۹/۱۱ را یک توطئه تبلیغاتی از سوی جان کری رقیب انتخاباتی بوش